

مقدمه

رشد و تکامل پیوسته و بتدریج انجام می گیرد و طبیعی و سالم بودن آن زندگی انسان را در طول حیاتش بنیان می گذارد .
در این مقاله به مطالعه عواملی می پردازیم که رشد و تکامل فرد از آنها متأثر می شود و آگاهی از آنها از یکسو شناخت ما را درباره علت های رفتار فرد افزایش می دهد و از سوی دیگر ما را در تائید فرصت های رشد و تکامل سالم کودکان و نوجوانان کمک می کند .

عوامل مؤثر در رشد جسمانی و ذهنی کودکان

اسماعیل بیابان کرد

رشد و تکامل جسمانی یا بدنی

رشد و نمو جسمانی عبارت است از تغییرات ارگانیک و تشریحی که به طور مداوم انجام می گیرد . هر گاه بدن نقص فطری نداشته باشد و نیازهای رشد بطور کامل و سالم ارضا شوند ، فرایند رشد و نمو بطور طبیعی و عادی انجام خواهد گرفت و می توان انتظار داشت که کودک در هر یک از مراحل رشد و تکامل ویژگی های آن مرحله را دارا باشد .

عوامل مؤثر در رشد و تکامل جسمانی

۱- نقصها و بیماریها :

نقصهای حسی مانند نابینایی ، ناشنوایی ، نزدیک بینی ، دوربینی ، صدمات هنگام تولد و بعد از آن ، ابتلاء به بیماریها بویژه در سالهای اول زندگی ، می توانند فرایند رشد را از مسیر



طبیعی خویش خارج سازند .

۴ - چگونگی تغذیه :

غذای مناسب و کافی پایه و اساس رشد و تکامل بدنی است و کودکان محروم از آن فاقد رشد و نمو طبیعی بدن هستند . چنانکه بسیاری از بیماریهایی که کودکان از آنها رنج می برند ناشی از غذای ناکافی و سوء تغذیه در زمان قبل از تولد یعنی هنگام بارداری مادر و یا بعد از آن است .

۵ - وضع اقتصادی ، اجتماعی خانواده :

چنانچه والدین از لحاظ اقتصادی بتوانند امکانات غذایی و تفریحی لازم را برای کودک فراهم آورند و اهمیت این امر را در رشد و نمو کودک بدانند ، احتمال بهره مندی فرزندان آن خانواده از رشد و تکامل جسمانی سالم بیشتر خواهد بود . به همین سبب ، از جمله مهمترین وظایف مربیان ، راهنمایی والدین در کمک به رشد و نمو بدنی کودک است ، چه با خانواده هایی - مخصوصاً " در روستا - که وضع اقتصادی - اجتماعی مطلوب و خوبی دارند ، لکن راه استفاده از آن را در جهت کمک به رشد و نمو فرزندان نمی دانند .

۶ - تندرستی کودک در دوره نوزادی و شیر - خوارگی :

هرگاه کودکی در دوره نوزادی یا شیرخوارگی به بعضی از بیماریهای سخت و مری دچار شود و درمان آن به طول انجامد ، به احتمال زیاد رشد و نمو جسمانی او به تعویق می افتد .

۲ - وضع جسمانی والدین :

چگونگی وضع جسمانی والدین در رشد و تکامل فرزندان تأثیر دارد ، چنانکه والدین چاق معمولاً فرزندان چاق و والدین لاغر فرزندان لاغر دارند . البته موارد استثناء نیز وجود دارد و بطور طبیعی همواره در همه خصوصیات یک گرایش به طرف میانگین و حد وسط وجود دارد ، به طوری که والدین بلند قد فرزندانشان نیز بلند قد هستند ولی کمی کوتاهتر از آنها و یا والدین کوتاه قد ، فرزند کوتاه قد دارند اما کمی بلندتر از آنان .

۳ - اختلالات غده ای :

چگونگی کار غده های درون ریز (داخلی) در تعیین سرعت رشد و نمو و میزان نسبی آن سهم مهمی دارد و در هوش نیز مؤثر است ، چنانکه اگر میزان هورمون رشد که از بخش پیشین غده هیپوفیز ترشح می شود ، در سالهای رشد کودک از حد معمول بیشتر باشد ، فرد اندام بسیار درشتی پیدا می کند و طول قد او به ۲۴۰ تا ۲۸۰ سانتیمتر می رسد . این پدیده را غول پیکری نامیده اند . اما افزایش تراوش آن پس از پایان دوران رشد سبب درشت و سنگین شدن استخوانهای دست و پا و فک پایین می - شود . این حالت را آکرومگالی خوانده اند و کسی که به این بیماری گرفتار شود دچار عوارض روانی از جمله ضعف حافظه ، خشم و بی میلی جنسی می گردد .



۷- هوش :

اختلال گردش خون همراه است. اضطراب و تشویش خاطر مداوم، رشد و نمو جسمانی کودک را به تعویق می اندازد و همین امر ممکن است بر تمام انواع یادگیری و سازگاریهای اجتماعی کودک تأثیر گذارد.

۹- بازی و ورزش:

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در رشد و نمو کودکان بازی و ورزش کردن است. بازی به فعالیتی گفته می شود که بیشتر جنبه سرگرمی دارد، یعنی ذاتاً لذت بخش است، کودک محروم از بازی یا کودکی که بازی نمی کند از رشد و نمو سالم جسمانی، ذهنی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی بهره مند نخواهد بود. بازی برای کودک دارای ارزشهای زیر است:

ارزش جسمانی یا بدنی، ارزش ذهنی، ارزش آموزشی، ارزش درمانی و ارزش تربیت اخلاقی که بحث در مورد هر یک از این ارزشها نیاز به مقاله جداگانه ای دارد.

بیشتر مردم چنین می پندارند که کودکان باهوش لاغر اندام و ناسالم می شوند، لکن آزمایشهای متعدد نشان داده اند که وزن متوسط کودکان پرهوش بیش از کودکانی است که هوش متوسط دارند و زودتر از آنها به مرحله بلوغ می رسند، تندرسی شان نیز نسبت به آنان بهتر است. کودکان کند ذهن بطور قابل ملاحظه ای دیرتر از کودکان عادی و پرهوش سخن گفتن و راه رفتن را یاد می گیرند و رشد هماهنگی چشمان و دستهایشان نیز دیرتر انجام می گیرد.

۸- فشار عاطفی:

بهداشت و سلامت روانی یا ذهنی کودک با رشد و نمو جسمانی او کاملاً بستگی دارد. مشکلات عاطفی کودک به احتمال زیاد با ناراحتیهای هاضمه، مشکلات دفع، کم خوابی و

با استوار و دائم التعمیر

۴- توانایی برانگیختن خویش برای انجام سریع کارهایی که شخص انجام آنها را ضروری تشخیص می دهد .

عوامل مؤثر در رشد ذهنی یا عقلی

کلیه عوامل مؤثر در رشد ذهنی را تحت عنوان "محیط" و "وراثت" توضیح می دهیم . منظور از وراثت انتقال خصائص و صفات از والدین و اجداد به فرزند است که به وسیله ژن های موجود در کروموزم ها انجام می گیرد و غرض از محیط مجموع عوامل خارجی است که روی فرد ناءثیر می گذارد ، که این ناءثیر ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد .

اکثر شواهد مربوط به ارثی بودن هوش حاصل مطالعاتی است که در آنها همبستگی بین هوشبهرهای افرادی که به درجات متفاوت خویشاوندی نسبی با یکدیگر داشته اند ، بررسی شده است . خلاصه نتایج تعداد زیادی از این گونه بررسیها و مطالعات در جدول زیر آمده است :

رشد و تکامل ذهنی یا عقلی

در بحث از رشد و تکامل ذهنی یا عقلی معمولاً " به موضوع مهم " هوش " یا " رفتار هوشی " می پردازند و منظور از آن استعداد و توانایی شخص است برای این که بتواند یاد بگیرد ، با محیط سازگاری کند و مشکلات یا مسائل تازه را با استفاده از تجارب قبلی خود حل کند . به نظر بینه سیمون هوش یک قوه ذهنی بنیادی است که تغییر یا فقدان آن بیشترین اهمیت را در زندگی عملی آدمی دارد . این قوه ذهنی همان قضاوت است که گاه از آن تحت عنوان عقل سلیم ، عقل عملی ، ابتکار و توانایی انطباق با شرایط یاد می شود .

از نظر استرنبرگ هوش از مؤلفه های مختلف ذیل تشکیل شده است :

- ۱- توانایی آموختن و بهره گیری از تجربه
- ۲- توانایی تفکر یا استدلال به شیوه انتزاعی
- ۳- توانایی انطباق با نوسانات جهانی

همبستگی

نسبت خانوادگی

| | | |
|-----|-----------------------------------|---|
| ۸۶% | الف) پرورش یافته در یک محیط | ۱- دوقلوهای یکسان : |
| ۷۲% | ب) پرورش یافته در محیطهای جداگانه | |
| ۶۰% | | ۲- دوقلوهای غیر یکسان پرورش یافته در یک محیط |
| ۴۷% | الف) پرورش یافته در یک محیط | ۳- برادرها و خواهرها : |
| ۲۴% | ب) پرورش یافته در محیطهای جداگانه | |
| ۴۰% | | ۴- والدین و فرزندان |
| ۳۱% | | ۵- والدین و فرزند خوانده ها |
| ۱۵% | | ۶- عموزاده ها - عمه زاده ها - دایی زاده ها و خاله زاده ها |

می دهند.

د) در ادامه مشاغل خارج از ساعات درس پایدارترند.

تحقیق در مورد برنامه های پیش دبستانی نشان می دهد که تحریک فکری کودک در سالیهای نخست می تواند اثر درخور توجهی در عملکرد بعدی تحصیلی وی داشته باشد. به نظر می رسد که در این میان شرکت والدین در برنامه ها عامل مؤثرتری است تا روشهای خاصی که به کار گرفته می شود. برنامه هایی بیشترین نتایج سودبخش را دارند که مستلزم شرکت فعال والدین باشند. به این معنا که آنان را به رشد فرزندانشان علاقه مند سازند و به آنان نشان دهند که چگونه می توانند محیط خانه خود را از لحاظ فکری برانگیزنده کنند.

بطور خلاصه در مورد تاءثیر محیط و یاوران در هوش و یا دیگر صفات انسانی می توان گفت همه چیز ارثی است اما تا آن اندازه که امکانات محیطی شرایط لازم را برای ظهور و بروز آنها آماده می سازد و یا به بیانی دیگر همه چیز محیطی است اما تا آن حد و چهارچوبی که شرایط زیستی و بیولوژیکی فرد اجازه می دهد.

توصیه های تربیتی در مورد رشد و تکامل ذهنی

اکنون باید دید معلم و خانواده از چه راههایی می توانند به کودکان کمک کنند تا استعداد های ذهنی یا عقلی خود را درست به کار اندازند و گسترش و پرورش دهند. بعضی از راههای پیشنهادی از این قرارند:

۱ - محیط خانواده باید سرشار از محبت باشد تا کودک ضمن احساس امنیت خاطر امکان یادگیری زیادی پیدا کند، زیرا خانواده ای که

بطور کلی روند این همبستگیها حاکی از آن است که هر اندازه میزان ژنهای مشترک بین اعضای خانواده بیشتر باشد، حد متوسط همبستگی بین هوشبهرهای آنان نیز بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر هر چه خویشاوندی نسبی بین افراد نزدیکتر باشد، شباهت بیشتری در نمره های هوش آنها دیده می شود.

می توان گفت که ژنها دو حد بالا و پایین هوش یا "دامنه" توانایی ذهن را تعیین می کنند. تاءثیرات محیطی - یعنی آنچه در جریان رشد یک فرد روی می دهد - تعیین خواهد کرد هوشبهر یک فرد در چه بخشی از این دامنه قرار خواهد گرفت.

از جمله شرایط محیطی که در رشد تواناییهای ذهنی فرد عاملی تعیین کننده محسوب می شوند عبارتند از: تغذیه، سلامت جسمانی، کیفیت تحریک، جو عاطفی خانواده و نوع بازخوردی که از رفتار حاصل می شود. اگر فرض کنیم دو کودک دارای ژنهای یکسانی باشند، از میان آنها کودکی در سال اول دبستان نمره هوشبهر بالاتری خواهد داشت که در دوره پیش از تولد و پس از تولد از تغذیه بهتر، از محیط خانوادگی آیمین از لحاظ هیجانی و برانگیزنده از نظر فکری و از پاداشهای مناسب در قبال پیشرفت های تحصیلی برخوردار باشد.

تحقیقات در مورد تاءثیر مهد کودک و دوره های پیش دبستانی نشان داده است دانش آموزانی که تجربه آموزش پیش از دبستان داشته اند در مقایسه با آنهايي که این تجربه را نداشته اند: الف) در آزمونهای خواندن، حساب و کاربرد زبان، نمره های بالاتری به دست می آورند. ب) کمتر به کلاسه های تقویتی احتیاج دارند. ج) بطور کلی کمتر رفتار ضد اجتماعی از خود نشان

همیشه نزاع و مشاجره برآن حکمفرماست موجب اضطراب و نگرانی کودک می شود و این امر نیز به او فرصت نمی دهد که برای یادگیری فعالیت کند.

۲ - هرگونه کمبود غذایی یا اختلال غده‌ای که ممکن است در استعداد و توانائی یادگیری کودک تاءثیر سوء داشته باشد باید کشف و درمان شود.

۳ - کودک باید پیش از ورود به مدرسه در یک محیط مساعد قرار بگیرد تا بتواند میل کنجکاو و خویش را ارضاء کند. مهدکودک و کودکانها و بالاتر از همه خانواده در تحریک میل کنجکاو و کودکان نقش و مسؤولیت اساسی دارند.

۴ - از وادار ساختن کودک به یادگیری چیزهایی که استعداد یا توانش آنها را ندارد باید خود داری کرد، به عبارت دیگر به کودک باید چیزی را آموخت که می تواند آن را یاد بگیرد.

۵ - تدریس در سالهای اول تحصیلی باید برحواس دانش آموزان مبتنی باشد، یعنی معلم درس خود را برای دانش آموزان محسوس و عملی سازد. و از این نکته مهم نیز نباید غافل بود که کودکان از لحاظ کیفیت کارحواس با همدیگر متفاوتند.

۶ - باید استعداد و توان کودک را برای شناخت خصایص جهان خارج بیدار و تربیت کرد. به این طریق که معلم مطالب درسی خود را به مسائل زندگی و اشیاى موجود در محیط خاص کودک مرتبط سازد.

۷ - تفاوتهای فردی ذهنی را باید در همه فعالیت‌های آموزشی یا تربیتی مورد توجه قرار داد، زیرا مطلبی را که ممکن است یک دانش آموز در ده دقیقه یاد بگیرد، دانش آموز دیگر، بیش



از یک ساعت برای یادگیری آن وقت لازم داشته باشد. میان این دو نوع دانش آموز گروه متوسط یا میانه قرار دارد که معمولاً اکثریت را تشکیل می دهد. معلم باید در عین توجه به گروه متوسط از کمک اضافی به دانش آموزان پیشرفته و عقب مانده ذهنی غافل نباشد.

خلاصه، معلم باید این واقعیت را همواره در نظر داشته باشد که موفقیت تحصیلی و شغلی هرکس با میزان استعداد و توانش هوشی او بستگی دارد و ظهور، گسترش و پرورش این استعداد به فرصت و امکان مساعد نیاز دارد که معلم می تواند هم خانواده ها را از این لحاظ راهنمایی کند و هم خودش محیط کلاس و مدرسه را از تمام جهات و جوانب البته به قدر امکان آماده تر و غنی تر سازد.